

بررسی مواضع حزب توده در قبال انقلاب اسلامی ایران (۱۳۶۲-۱۳۵۷)

رضا پریزاد، رحیم عینی^۲

چکیده

حزب توده ایران که در ادامه حزب کمونیست و گفتمان چپ پس از مشروطه و در راستای انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ شوروی شکل گرفته بود بعد از سقوط رضاشاه تأسیس شد. این حزب که در طبقه‌بندی احزاب در طیف احزاب چپ قرار می‌گیرد خود را وابسته به افکار مارکسیستی می‌دانست که در تمام رخداد‌های سیاسی از جمله: امتیاز نفت شمال، غائله آذربایجان، ملی شدن صنعت نفت و ... جانب اتحاد شوروی را گرفت و اندیشه مارکسیسم-لنینیسم را بعنوان ایدئولوژی و مکتب سیاسی خود ترویج نمود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این حزب بطور کامل توسط رژیم پهلوی سرکوب و ناچار به مهاجرت از کشور شد. حزب توده که به دنبال یک مارکسیسم ایرانی بود با شروع انقلاب اسلامی به ایران بازگشت و با حمایت از خط امام و مکتبی‌ها به تأیید تمامی مواضع جمهوری اسلامی پرداخت، اما در سال ۱۳۶۲ با ایجاد سازمان مخفی و جاسوسی و فاش ساختن اسرار نظام به اتحاد جماهیر شوروی سرانجام توسط جمهوری اسلامی منحل اعلام شد. هدف این پژوهش بررسی مواضع حزب توده در قبال انقلاب اسلامی است، در این پژوهش ضمن بررسی مواضع حزب توده در قبال انقلاب اسلامی به دنبال تبیین این فرضیه هستیم که اصولاً در جامعه‌ای که ریشه و فرهنگ آن با دین مبین اسلام گره خورده و انقلابی مستقل و مردمی در آن شکل گرفته اندیشه‌های مارکسیستی نمی‌تواند جایگاهی در آن داشته باشد ولو اینکه آن ایدئولوژی بخواهد خود را با نظام حاکم همسو کند.

واژگان کلیدی: حزب توده، انقلاب اسلامی، مارکسیسم-لنینیسم

^۱ دکتری علوم سیاسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم r_parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

مقدمه

حزب توده ایران فراگیرترین و متشکل‌ترین حزب تاریخ معاصر ایران است که در فرصت پدید آمده از فضای باز سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ پا به عرصه وجود گذاشت این حزب، حزبی مارکسیستی بود که اکثر اعضای اولیه آن را بقایای گروه پنجاه و سه نفر تشکیل می‌دادند که در دوره سلطنت رضاشاه به جرم تبلیغ مرام مارکسیستی دستگیر شدند؛ با آزادی گروه ۵۳ نفر در مهر ۱۳۲۰ قدرت حزب گسترش فراوانی یافت و این حزب توانست در بهمن ماه همان سال روزنامه سیاست را بعنوان ارگان مطبوعاتی تأسیس کند (جاسبی(الف)، ۱۳۸۶: ۲۷۰). حزب توده از همان آغاز سعی داشت خود را از اتهام کمونیستی مبرا سازد، از همین رو، یک ماه پس از تأسیس، در آبان سال ۱۳۲۰ حزب در جزوه‌ای تحت عنوان "حزب توده چه می‌خواهد؟" خود را متکی به قانون اساسی معرفی کرد. به ادعای حزب، دشمنان چنین تهمتی را به ما می‌زنند تا آنکه بتوانند سرمایه‌داران و پیشه‌وران را از ما بیزار کنند. ما معتقدیم که جهان‌بینی کمونیستی محصول شرایط ویژه‌ای است که در ایران موجود نیست. هرکس که در تشکیل یک حزب کمونیست در ایران کوشش کند در میان مردم پایگاهی کسب نخواهد کرد (چپ در ایران(ب)، ۱۳۸۲: ۸-۹).

با شکل‌گیری غائله آذربایجان اگرچه سران حزب توده در ایران از پیوستن حزب توده به فرقه دموکرات آذربایجان ابراز ناخرسندی کردند اما با اعلام موافقت استالین از این اقدام این ناخرسندی هم دوام چندانی نیافت و بعدها روز ۲۱ آذر ۱۳۲۴ (روز تشکیل مجلس ملی آذربایجان و اعلام حکومت خودمختار آذربایجان) از سوی حزب توده بعنوان یک روز تاریخی مورد حمایت و ستایش روزنامه‌های حزب توده قرار گرفت (اسکندری، ۱۳۷۲: ۱۷۴-۱۷۳). با شکست و تسلیم بدون قید و شرط فرقه دموکرات آذربایجان در برابر دولت مرکزی در بیستم آذر ۱۳۲۵ و فرار سران فرقه به شوروی همزمان در تهران کلپ‌های حزب توده مورد حمله قرار گرفت و رهبران آن مخفی شدند (نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، ۱۳۸۰: ۱۷). ترور شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، آخرین ضربه بر پیکر حزب توده را وارد کرد. پس از متهم شدن حزب توده به این سوء قصد از سوی رژیم سلطنتی این حزب منحل شد و سران آن هم دستگیر و یا تحت تعقیب قرار گرفتند (چپ در ایران(الف)، ۱۳۹۱: ۹).

با وجود آزادی پدید آمده در دوره نخست وزیری دکتر محمد مصدق حزب توده توانست در پوشش‌های گوناگون مجدداً در جامعه ایران نفوذ کند اما در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حزب سکوت را بر مقابله ترجیح داد و این چنین بود که کودتا در مقابل دیدگان سران حزب توده و سازمان نظامی این حزب که در حدود ششصد نفر افسر عضو و همراهی تعداد زیادی از طبقات اجتماع که گرایش به حزب داشتند به سرانجام رسید و پس از آن هم نوبت به اعضای بدنه حزب رسید. در شهریور ۱۳۳۲ سازمان نظامی حزب توده لو رفت و حدود پنجاه نفر از اعضای آن دستگیر و ۲۷ نفر دیگر از آنها از جمله خسرو روزبه اعدام شدند تعدادی از

رهبران آن نیز به کشورهای سوسیالیستی و خصوصاً شوروی و آلمان شرقی پناهنده شدند (نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، پیشین: ۲۲). برخی دیگر از اعضای حزب نیز با وجود اظهار پشیمانی و طلب بخشش تا زمان انقلاب اسلامی در زندان ماندند (چپ در ایران (ج)، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

با طلوع انقلاب اسلامی حزب توده تلاش کرد تا با استفاده از فضای آزاد و انقلابی بوجود آمده در مبارزه با رژیم شاهنشاهی ایفای نقش کند (طبری، ۱۳۶۶: ۲۹۵). اینچنین بود که در تظاهرات گسترده مردمی، حزب توده نیز با صدور چند اعلامیه مبنی بر پشتیبانی از جنبش انقلابی مردم ایران و ایجاد جبهه متحد آزادی ملی و تدارک همه‌جانبه مبارزه مسلحانه اعلام حضور در این برهه از انقلاب و نیز سهم‌خواهی از آن را داشت. این حزب در پلنوم شانزدهم که در اسفند ۵۷ برگزار شد نورالدین کیانوری را به مقام دبیرکلی انتخاب کرد و پس از آن کمیته مرکزی حزب توده در اعلامیه ۲۷ دی ۱۳۵۷ تشکیل شورای انقلاب توسط امام خمینی را تأیید و بر حمایت و تحکیم انقلاب اسلامی تأکید کرد (نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، پیشین: ۲۴). حزب توده در صدد بود تا در رویدادهای انقلاب برای خود نقش پیشرو تصور کند از همین‌رو با آگاهی از فضای انقلابی جامعه و برآیند موقعیت گروه‌های سیاسی سعی می‌کرد تا حزب را در موضع‌گیری‌ها، پیرو خط امام و منتقد گروه‌های لیبرال نشان دهد که مخالفت با دولت موقت مهندس بازرگان نیز از این منظر بود (جاسبی، پیشین: ۲۸۳). علاوه بر این حزب در اعلامیه خود در اسفند ۱۳۵۷ اعلام کرد که در فراندوم به ۹ جمهوری اسلامی رأی می‌دهد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۴).

با موضع‌گیری‌های صورت گرفته توسط حزب توده، این حزب از جانب دیگر گروه‌های چپ در ایران به ویژه مائوئیست‌ها که موضع کاملاً خصمانه نسبت به انقلاب اسلامی و مذهب‌بیون داشتند، به فرصت‌طلبی و عدم ایمان واقعی به مارکسیسم - لنینیسم متهم شدند. حزب توده در حالی از پیروی از خط امام سخن می‌گفت که تنها راه رشد را راه رشد غیرسرمایه‌داری می‌دانست و معتقد بود که به کمک شوروی انقلاب ایران را می‌توان به سمت راه رشد غیرسرمایه‌داری ترغیب کرد، این حزب در شرایطی به حمایت از جمهوری اسلامی می‌پرداخت که سرسپردگی کامل به شوروی داشت و هرچند تلاش می‌کرد تا تبعیت خود از شوروی را انکار کند اما در جهت نفوذ شوروی در کشور تبلیغ می‌کرد (جاسبی (الف)، پیشین: ۲۸۷).

با آشکار شدن اقدامات توطئه‌گرایانه این حزب که توسط سازمان مخفی نوید صورت می‌گرفت، این سازمان در پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب در اسفند ۱۳۵۷ مبنی بر آماده بودن برای مقابله با شرایط اضطراری ایجاد شده بود، از جمله اختفای سلاح‌هایی که در جریان پیروزی انقلاب به دست توده‌ای‌ها تصرف شده بود (کیانوری (الف)، ۱۳۷۲: ۵۴۲)، و همچنین دادن اطلاعات نظامی به شوروی توسط کیانوری (همان، ۵۴۴) حزب توده بیش از پیش با آشکار شدن فعالیت‌های خائنانه‌اش تحت کنترل قرار گرفت. با دستگیری کیانوری

و عده‌ای دیگر از سران حزب در ۱۲ بهمن سال ۶۱ و اعترافات آنان، حزب توده در اعلامیه ۲۷ بهمن همان سال سعی کرد تا این اقدام نیروهای انقلابی را اقدام توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا در جهت تیره کردن روابط جمهوری اسلامی و شوروی تلقی کند و آن را به نفوذی‌های ضدانقلاب نسبت دهد. اما اعترافات سران حزب از جمله کیانوری به روابط حزب توده با شوروی و خیانتکاری و جاسوسی برای این کشور نقطه پایانی بر یک دوره رباکاری و فریبکاری سران این حزب بود (همان، ۵۵۳).

اینک پرسش مهم این است که حزب توده در قبال انقلاب اسلامی بین سال‌های ۵۷ تا ۶۲ چه موضعی را اتخاذ کرده بود؟ با وجود انفعالی بودن این حزب در آن دوره فرض مهم این است که حزب توده با آنکه به تأیید جمهوری اسلامی پرداخت اما به خاطر ماهیت ایدئولوژیک مارکسیستی خود و وابستگی آن به اتحاد جماهیر شوروی در بسیاری از موارد موضعی متعارض در قبال انقلاب اسلامی که ماهیتی اسلامی، انقلابی و مستقل بود داشته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با مراجعه به اسناد تاریخی به تشریح و تبیین موضوع پرداخته می‌شود. این پژوهش باتوجه به طبقه‌بندی صورت گرفته در خصوص احزاب، حزب توده را در طیف احزاب چپ قرار داده و می‌کوشد مواضع این حزب را در قبال انقلاب اسلامی مورد بررسی و تبیین قرار دهد. تلاش اصلی در این پژوهش پرداختن به موضوع حزب توده و مواضع این حزب در قبال انقلاب اسلامی و بررسی زوایا و خط‌مشی این حزب در بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ می‌باشد تا از این طریق بتوانیم با نگرشی عمیق به تحولات و اندیشه‌های این حزب و ماهیت عملکردی آن پس از انقلاب اسلامی بپردازیم که کمتر مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گرفته است.

مبانی نظری

همانطور که در مقدمه عنوان شد حزب توده باتوجه به ماهیت ایدئولوژیک مارکسیستی-لنینیستی خود و وابستگی کامل آن به اتحاد جماهیر شوروی در طبقه‌بندی احزاب در گروه احزاب چپ قرار می‌گیرد از این رو الگوی نظری در نظر گرفته برای این تحقیق همانا اصول، مرام و بطور کلی مرام‌نامه و سابقه احزاب چپ در تاریخ احزاب ایران می‌باشد. لذا ضروری است ابتدا بر ساختارها و طبقه‌بندی احزاب و بالخصوص احزاب چپ در ایران مروری بیافکنیم.

۱- تعریف حزب

حزب کلمه‌ای عربی است که به معنای گروه و دسته آمده است. حزب به معنای جدید آن در زبان انگلیسی معادل واژه (party) است، فرهنگ (وبستر) در برابر واژه (party) در حدود یازده معنی و تعریف ارائه کرده

است که اولین تعریف و مهمترین آن همان گروه‌های سیاسی^۱ است. در فرهنگ «وبستر» و همچنین فرهنگ‌های، آکسفورد، دهخدا و معین کلمه (party) و معادل فارسی آن «حزب^۲» در گروه تعاریف «گروه سیاسی» یا سازمان «تشکیلات سیاسی» معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۹۰۸). در قرن نوزدهم برای مدت‌های مدیدی واژه parti با «گرایش» یا «طرز فکر» مترادف بوده است گرایشی که اندیشه‌های یک طبقه یا گروه اجتماعی با شخصی را به نمایش می‌گذاشت برای مثال حزب کارگر به معنای یک سازمان کارگری تلقی نمی‌شد بلکه گرایشی بود برای دفاع از منافع کارگران (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۳).

حزب مهمترین سازمان سیاسی در دموکراسی‌های معاصر است، نخستین احزاب سیاسی به معنی درست کلمه، در اوایل قرن نوزدهم در ایالات متحده آمریکا ظهور یافتند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۸۲). حزب سیاسی «چرخ دنده ماشین دموکراسی» است اگرچه احزاب سیاسی سابقه بیشتری از دموکراسی‌های نو دارند اما رشد آنها با تکامل دموکراسی هم زمان بوده است (عالم، ۱۳۷۳: ۳۴۵). لنین رهبر انقلاب کمونیستی شوروی حزب را یک گروه کوچک از افراد قابل اعتماد با تجربه و معتقد به اصول انقلاب که دارای نمایندگان مسئول و وظیفه‌شناسی در نواحی مهم کشور بوده و روابط مخفیانه با آنها و با یکدیگر داشته باشند و اقدامات انقلابی را حرفه اصلی خود قرار دهند می‌داند (جاسبی، ب، ۱۳۸۹: ۴۲).

۲- طبقه‌بندی احزاب

دوورژه در تقسیم‌بندی معروفی که در سال ۱۹۵۱ در خصوص احزاب انجام داد و تاکنون مورد پذیرش بیشتر محققان قرار گرفته احزاب را به دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ احزاب خواص و احزاب عوام یا توده. او ساخت پایه‌ای و هدف احزاب خواص را گردآوری سرشناس‌ها می‌داند نه گردآوری هرچه بیشتر اعضاء. به باور او در احزاب خواص کیفیت از اهمیت بیشتری نسبت به کمیت برخوردار است. به اعتقاد او، «این سرشناس‌ها» خواه به علت حیثیت که به آنها نفوذ اخلاقی می‌بخشد، خواه به علت ثروت که کمک به تأمین هزینه مبارزات انتخاباتی را ممکن می‌سازد از طرف احزاب خواص مورد جستجو هستند (دوورژه، ۱۳۷۶: ۴۳۰). به اعتقاد دوورژه تکنیک احزاب عوام پس از نهضت‌های سوسیالیستی توسط احزاب کمونیست، احزاب فاشیست و در حال حاضر توسط احزاب کشورهای کم توسعه اخذ شده‌اند. در خصوص پیشینه این احزاب باید بگوییم که در ابتدا احزاب عوام شیوه‌ای بودند تا به کمک آنها بتوان منابع مالی حزب و هزینه‌های انتخاباتی را به دست آورد زیرا نامزدهای کارگری که در آن زمان بعنوان نیروهای انقلابی شناخته می‌شدند هرگز نمی‌توانستند

^۱ Party که از pars و parties لاتین مشتق شده است در زبان فرانسه partie در زبان ایتالیایی partito و در زبان آلمانی partei خوانده می‌شود.

^۲ Political Party

چشم امید به پشتیبانی مادی بانکداران، صاحبان صنایع، بازرگانان و یا مالکان بزرگ که همواره هزینه‌های تبلیغاتی نامزدهای آزادمنش یا محافظه‌کار را تأمین می‌کردند داشته باشند از همین‌روی این احزاب شکل گرفتند تا بتوانند این منابع مهم مالی را از طریق سندیکاها یا اصناف تأمین نمایند (همان، ۴۳۴).

بشیریه احزاب سیاسی را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

- احزاب سیاسی راست دموکراتیک مانند احزاب لیبرال و محافظه‌کار و دموکرات مسیحی؛

- احزاب سیاسی چپ دموکراتیک همچون، احزاب سوسیال دموکرات و کارگران؛

- احزاب راست اقتدارطلب، مانند احزاب فاشیست و ناسیونالیست؛

- احزاب چپ اقتدارطلب، همچون احزاب کمونیست (بشیریه، پیشین: ۳۸۳-۳۸۴).

حسین تبریزیا در کتاب «علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران» در تقسیم‌بندی احزاب صرفاً آنها را از سه حیث طبقاتی، ایدئولوژی و سازمانی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد (تبریزیا، ۱۳۷۷: ۴۶). او ریشه اصلی طبقاتی شدن احزاب اولیه اروپا را جدال بین فئودالیزم و قدرت پادشاه از یکسو و طبقه بورژوا و پارلمان از سوی دیگر می‌داند. این کشمکش تاریخی در میان این دو طبقه منجر به شکل‌گیری دو نوع نظام حزبی گردیده است (همان، ۴۸). در خصوص احزاب سیاسی که دارای ایدئولوژی مشخص و معینی بوده‌اند باید بگوئیم که این احزاب همواره جاذبه بیشتری برای جلب افکار عمومی و گرایش آنها به سوی حزب و نیز دوام حزب داشته‌اند (فولادی، ۱۳۴۸: ۲۶). امروزه در جهان، احزاب سیاسی بخصوص در کشورهای جهان سوم که با ماهیت ایدئولوژیک خود تقسیم‌بندی می‌شوند، شامل احزاب: چپ، راست، معتدل، تندرو، دموکرات، انقلابی، فاشیست، کمونیست، ملی‌گرا، مذهبی، بنیادگرا، دموکرات مسیحی، سوسیال دموکرات، آزادیبخش، میانه‌رو، افراطی و ... می‌باشد که جملگی آنها ماهیت ایدئولوژیک دارند (تبریزیا، پیشین: ۷۵).

یکی دیگر از ملاک‌های تقسیم‌بندی احزاب، میزان سازمان‌یافتگی آنها می‌باشد. در حقیقت هر اندازه که مبارزه طبقاتی و ایدئولوژیک در میان گروه‌های اجتماعی و صاحبان و مدعیان قدرت افزایش می‌یابد، بر میزان پیچیدگی سازمان‌های حزبی نیز افزوده می‌شود. از همین‌روی احزاب را از نقطه‌نظر سازمانی می‌توان به احزاب سخت و ملایم، باز و بسته، سازمان‌یافته و سازمان‌نیافته تقسیم‌بندی کرد. باید به این نکته اشاره کنیم که احزاب سازمان‌یافته و سخت بیشتر مولود نظام‌های دیکتاتوری و حکومت‌های استبدادی هستند (همان، ۷۷-۸۵). احزاب توده‌ای با گسترش حق رأی همزمانی دارند، در حقیقت نهضت‌های سوسیالیستی پایان قرن نوزدهم اولین جوانه‌های احزاب توده‌ای بودند. سازماندهی احزاب توده‌ای بر جذب هرچه بیشتر اعضا استوار است. از ویژگی دیگر احزاب توده‌ای گرایش‌های ایدئولوژیک آنها می‌باشد که نسبت به احزاب کادر از صراحت و تندی بیشتری برخورداراند. منبع مالی حزب هم از طریق حق عضویتی بود که هر عضو به صورت ماهانه به عضو می‌پرداخت. در نیمه اول قرن بیستم دو نوع حزب توده‌ای راست و چپ وجود داشت

احزاب سوسیالیست و کمونیست در چپ و حزب فاشیست در راست از مهمترین احزاب توده‌ای به شمار می‌روند (نقیب‌زاده، پیشین: ۳۹-۴۱).

۳- نظریه طبقاتی احزاب

نگرش تضاد طبقاتی در پیدایش حزب نخستین بار از طرف «کارل مارکس» و «فریدریش انگلس»^۲ در مانیفست حزب کمونیست عنوان شد. آنها اعلام کردند که تاریخ تمامی جوامع که تاکنون وجود داشته‌اند تاریخ پیکارهای طبقاتی بوده است و سرانجام دو طبقه بورژوازی و پرولتاریا در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. پیشرفت‌های صنعتی و به تبع آن استثمار شدید کارگران که آگاهی طبقاتی آنان را دامن خواهد زد، سرانجام این تضاد، پیدایی اتحادیه‌های کارگری، تشکیلات سیاسی و در نهایت احزاب سیاسی را به دنبال خواهد داشت بطور کلی طرفداران این نظریه معتقدند که حزب نمایانگر منافع طبقات گوناگون است (محمدی‌نژاد، ۱۳۶۰: ۲۱)، و با تقسیم جامعه به دو طبقه استثمار کننده و استثمار شونده هر کدام از اینها سرآغاز پیدایی احزاب خواهند بود. پیدایش احزاب کمونیست و احزاب کارگری در کشورهای اروپایی را می‌توان با این نظریه توضیح داد. در ایران حزب توده همواره خود را «حزب طراز نوین طبقه کارگر» قلمداد نموده و احزاب دیگر را با ملاک طبقاتی تقسیم‌بندی می‌نمود. بر همین اساس این حزب جبهه ملی و احزاب وابسته به آن را احزاب لیبرال بورژوا می‌نامید و بعضی دیگر را خرده بورژوا. احزاب ارتجاعی در فرهنگ سیاسی این حزب و سایر احزاب مارکسیستی احزابی بودند که به طبقه فئودال و اشراف و سایر طبقات ماقبل سوسیالیزم تعلق دارند (تبریزیا، پیشین: ۵۰).

۱۳

احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران (۱۳۶۰-۱۳۵۷)

با ایجاد فضای آزاد ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌های سیاسی عرصه آزاد سیاست را صحنه رقابت‌های خود قرار داده و به مشارکت و رقابت برای حضور در جامعه ایران و تسخیر نهادهای نظام نوپای اسلامی پرداختند. برخی از این احزاب و گروه‌ها سابقه‌های طولانی در تاریخ یکصدساله احزاب سیاسی در ایران داشتند پس از انقلاب به علت از بین رفتن استبداد حاکم و آزاد شدن رهبران احزاب و مخالفان از زندان‌های رژیم یا بازگشت به میهن پس از تبعید اجباری، اکثریت آنها به سازماندهی مجدد احزاب و گروه‌های خود پرداختند. طیف نیروهای سیاسی موجود از چهار طیف دوران مشروطیت به چهار طیف التقاطی، چپ، لیبرال و مذهبی تغییر کرد و حوزه عمل آنها وسعت یافت (جاسبی‌الف)، پیشین: ۲۶-۲۵). تقسیم‌بندی دیگری که از

¹ Karl Marx

² Feiedrich Engels

احزاب و تشکل‌های سیاسی در این مقطع زمانی ارائه شده شامل احزاب چپ، احزاب راست، احزاب التقاطی، احزاب قومی و فرقه‌ای و احزاب هوادار اسلام فقاهتی می‌باشد (ویژه‌نامه حزب و ...، ۱۳۸۴: ۱۴). در کنار این دسته‌بندی از دو طیف سکولار و مذهبی، چهار طیف سیاسی احزاب لیبرال-دموکراتیک (راست سکولار) احزاب و گروه‌های هوادار سوسیالیسم (چپ سکولار) و در طیف مذهبی احزاب و گروه‌های بنیادگرا (راست مذهبی) و احزاب و گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا (چپ مذهبی) به دست آمده است (خواججه‌سروی، ۱۳۸۲: ۲۲۲). در تقسیم‌بندی صورت گرفته دیگری نیروهای سیاسی به چهار گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: گروه‌های اسلامی مانند حزب جمهوری اسلامی، هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، حزب ملل اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه ملی و گروه‌های چپ شامل حزب توده و سازمان چریک‌های فدای خلق و گروه‌های التقاطی مانند سازمان مجاهدین خلق ایران (دارابی، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۷۶). در این بخش از پژوهش و باتوجه به موضوع مورد تحقیق ما از سه جریان فکری مهم همچون جریان مذهبی، لیبرال و چپ (سوسیالیستی و مارکسیستی و التقاطی) تنها به جریان چپ می‌پردازیم.

چپ در ایران

۱۴ اندیشه چپ و گروه‌های حامل آن سابقه‌ای یکصدساله در تاریخ ایران دارند. آنچنان که نهضت مشروطه با تشکیل تفکرات چپ در روسیه و تکوین انقلاب این کشور همراه بود. جریان فکری چپ در عصر مشروطه در پیوند مشروطه‌طلبان و مبارزان ایرانی با انقلابیون قفقاز شکل گرفت از این‌رو نخستین حرکت‌ها و تشکیلات سیاسی چپ نیز در گیلان و آذربایجان و سپس در تهران و سایر نقاط شکل گرفت (مدیرشانه-چی(الف)، ۱۳۷۵: ۲۹). جریان فکری چپ در عصر مشروطه‌خواهی ملهم از اندیشه‌های چپ و کارگری بود. این جریان که همان سوسیال دموکراسی است برگرفته از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه بود که اندیشه‌های مارکس را در خود به غلیان در می‌آورد. اندیشه‌های کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸) که به حمایت از طبقه کارگر و زحمت‌کشان می‌پرداخت خیلی زود در کشورهای فقیر و جهان سوم از جمله روسیه ریشه دواند و باعث رشد احزابی برگرفته از این نحله شد که نمونه آن در ایران حزب توده بود. این حزب نماد جریان چپ در ایران و مروج و مدافع اندیشه‌ها و منافع شوروی در ایران بود (آنها از پیروان و هواخواهان مارکسیسم بودند). حزب کمونیست ایران که ابتدا با نام حزب عدالت فعالیت خود را آغاز کرده بود به دنبال انقلاب روسیه و به ریاست اسداله غفارزاده تشکیل شد و در سال ۱۲۹۹ شمسی، حزب عدالت نام خود را تغییر داد و به حزب کمونیست ایران تبدیل شد و اولین کنگره خود را در بندر انزلی برگزار کرد (مقصودی و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۰۰). آراء و اندیشه‌های کمونیستی به رهبری دکتر تقی ارنانی در سال‌های بین ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ به اوج خود رسید اما دستگاه پلیسی رضاشاه با استناد به قانون ممنوعیت فعالیت‌های کمونیستی مصوب خرداد ۱۳۱۰ گروه

آزانی و یارانش را که به ۵۳ نفر می‌رسیدند دستگیر و زندانی کرد، اتهام آنها تشکیل سازمان مخفی، انتشار بیانیه اول ماه مه (روز کارگر) راه انداختن اعتصاب در دانشگاه فنی و یک کارخانه نساجی در اصفهان و ترجمه رساله‌های الحادی مثل کاپیتال مارکس و مانیفست کمونیست بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

حزب توده ایران (از تشکیل تا انقلاب اسلامی ایران)

پس از سقوط رضاشاه و فروپاشی استبداد بیست ساله رضاخان، بار دیگر فضای باز سیاسی کشور این امکان را به وجود آورد تا مارکسیست‌های بازمانده از حزب کمونیست ایران به همراه گروه «۵۳ نفر» و عناصر ملی و روشنفکر بتوانند آزادانه ناشر افکار و اندیشه‌های دور و دراز خود باشند، آنها برای اینکه توده‌های وسیع‌تری را به دور خود جمع کنند تصمیم گرفتند نام حزب را «کمونیست» نگذارند (آوانسیان، ۱۳۷۸: ۵۳) و به پیشنهاد ایرج اسکندری نام «توده» را بر این حزب انتخاب کردند (اسکندری، پیشین: ۱۰۶). حزب توده ایران از نظر مرام‌نامه و برنامه و همچنین با داشتن رهبرانی نظیر سلیمان میرزا اسکندری و نورالدین الموتی حزبی بود آزادی‌خواه، مترقی و مدافع قانون اساسی و مشروطیت. اما اگرچه این حزب از نظر طبقاتی شکل جبهه را داشت به لحاظ جهت‌گیری سیاسی-فکری و تعلیماتی و تشکیلاتی با وجود تزلزل‌ها و نوساناتی که در جریان فعالیت حزب مشاهده می‌شد در مجموع حزبی بود مدافع مارکسیسم-لنینیسم و بنا به رسم زمان و ضعف رهبری و فقدان رهبرانی شایسته و کارآزموده، دنباله‌روی مدافع بی‌قید و شرط سیاست شوروی (جامی، ۱۳۷۷: ۱۳۹) خلیل ملکی از رهبران اولیه حزب توده که بعدها بخاطر وابستگی این حزب به شوروی از آن جدا شد در سری مقالات خود می‌نویسد: «رهبران حزب توده به اندازه‌ای به دنباله‌روی در جریان عادت کرده بودند و به اندازه‌ای مست و مغرور از باده موفقیت شرکت در حکومت بودند و به اندازه‌ای این فکر در آنها تقویت یافته و وجود فرقه دموکرات را ضامن بقای خود می‌دانستند که علیرغم افکار عمومی که دائماً در حال اعتراض به سیاست رهبری حزب بود در پیمودن راه غلط اصرار و ابرام می‌کردند» (ملکی، ۱۳۷۴: ۱۵۰).

حزب توده برای نزدیکی با عامه مردم با تظاهرات مذهبی خود و جلوگیری از افشای ماهیت و روابط خود با مکتب مارکسیستی در مراسم‌های مذهبی ورود پیدا می‌کرد و در ایام محرم راجع به قیام امام حسین (ع) سخنرانی برگزار می‌کرد (روزنامه رهبر، ۳۰/۰۹/۱۳۲۳).

حزب توده از طبقه کارگر حمایت و حساسیت خاصی نسبت به آن داشت و به باور لاجوردی این حزب سزاوار هر انتقادی که باشد به خاطر جانبداری موثرش از آرمان طبقه کارگر و اتحادیه‌های کارگری باید به آن امتیاز داد (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۳۵۴). اما این حزب در دهه ۲۰ شمسی کارنامه قابل قبولی برای خود به جای نگذاشت که از جمله آن اشتیاق به دادن امتیاز نفت شمال به شوروی بود که حزب توده حتی برای واگذاری این امتیاز

تظاهرات دوازده هزار نفری ترتیب داد (همان، ۸۸). از دیگر اقدامات حزب حمایت از فرقه جدایی طلب دموکرات آذربایجان بود که پیشه‌وری آن را در آذربایجان و با حمایت شوروی به راه انداخته بود، البته با سوابقی که وجود داشت و روابطی که میان پیشه‌وری و چند تن از اعضای کمیته مرکزی برقرار بود اکثر اعضای کمیته مرکزی به پشتیبانی از فرقه دموکرات آذربایجان و پس از اعلام موافقت استالین از این اقدام تن در دادند و با پیوستن سازمان ایالتی حزب توده به فرقه دموکرات آذربایجان موافقت کردند (صدری و نیکبخت، ۱۳۸۶: ۲۴۹). در جریان ملی شدن صنعت نفت نیز حزب توده به پیروی از سیاست شوروی در تضاد با آمریکا و دادن ذهنیت‌های خاص در مورد رهبری نهضت انقلابی و جنبش‌های ملی، مواضعی تخریبی علیه آن اتخاذ و به مواضع انگلستان نزدیک شده هر چند این مواضع اشتباه از سوی چهره‌های مستقل مارکسیست و نیروهای ملی و برخی عناصر داخلی حزب مورد انتقاد قرار گرفت (احمدی حاجیکلائی، ۱۳۸۱: ۲۳۹) عملکرد حزب توده در قبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با وجود آنکه بیش از ۲۵۰۰۰ عضو و ۳۰۰۰۰ هوادار داشت (آبراهامیان، پیشین: ۱۲۹) در هنگام کودتا فقط سکوت و به نظاره نشسته بود و حتی هنگامی که از کیانوری پرسیده شد چرا توده‌ای‌ها به کمک مصدق نرفتند در جواب می‌گوید: «نمی‌دانم» (کیانوری، ب)، ۱۳۷۶: ۴۳۵). بعد از کودتا نیز شاه که وجود حزب توده را نمی‌توانست تحمل کند (باتوجه به اینکه ترور خود در سال ۱۳۲۷ را نیز به آن حزب منتسب کرده بود) طی یک سلسله بازداشت‌های جمعی که تا سال ۱۳۳۷ ادامه داشت بیش از سه هزار نفر از اعضاء این حزب را دستگیر و تعدادی از آنها از جمله اعضای شاخه نظامی را به اعدام محکوم کرد (مدنی، ۱۳۸۶: ۵۶۶). پس از این اتفاقات کمیته مرکزی حزب توده ایران که ضربه هولناکی از طرف رژیم متحمل شده بود دچار آشفتگی و سردرگمی شدیدی گردید تا آنجا که سران و کادرهای اصلی حزب توده در ایران به خارج از کشور و عمدتاً کشورهای سوسیالیستی چون روسیه و بلغارستان و آلمان شرقی مهاجرت کردند (نگاهی از درون...، پیشین: ۲۲) و تا زمان انقلاب اسلامی اثری از آنان در ایران باقی نماند. حزب که مدعی بود ۳۸ هزار عضو از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ در اروپای شرقی دارد (فوران، ۱۳۷۷: ۵۵۰) اقدام به برگزاری پلنوم‌های خود در خارج از کشور کرد. در سال ۱۳۳۵ پلنوم کمیته مرکزی فعالان حزب توده در خارج از کشور تشکیل شد (چپ در ایران (الف)، پیشین: ۸) و در این اجلاس دکتر رضا رادمنش بعنوان دبیر اول هیأت اجرائیه انتخاب شد (نگاهی از درون...، پیشین: ۲۲) اما مهمترین اجلاس برگزار شده این حزب در خارج از کشور پلنوم چهارم (وسیع) در سال ۱۳۳۶ بود که نگرشی انتقادی به عملکرد خود داشت (مدیرشانه‌چی (الف)، پیشین: ۱۲۸) و در اواخر همین سال بود که هیأت اجرایی حزب توده از مسکو به آلمان شرقی منتقل شد. اولین اقدام توده‌ای‌ها در لایپزیک انتشار روزنامه صبح امید، ارگان حزب در خارج از کشور

بود و پس از آن رادیو پیک ایران که تا آن زمان از برلین به زبان فارسی برنامه پخش می‌کرد، به صوفیه در بلغارستان انتقال داده شد (نگاهی از درون به ...، پیشین: ۲۲) حزب در پلنوم هفتم (وسیع) در سال ۱۳۳۹ جهان‌بینی خود را مارکسیسم-لنینیسم و خود را حزب کارگر در سراسر ایران خواند (کولائی، ۱۳۷۶: ۱۰۶).

۱- حزب توده در طلیعه انقلاب اسلامی ایران

حزب توده در روزهای آغازین انقلاب اسلامی از طریق سازمان مخفی نوید- توده‌ای‌های زندانی و جمعیت اتحاد دموکراتیک به رهبری به‌آذین تلاش کرد تا با استفاده از فضای آزاد و انقلابی بوجود آمده در مبارزه با رژیم شاهنشاهی ایفای نقش کند (طبری، پیشین: ۲۹۵). این سازمان با گسترش نهضت اسلامی، فعالیت‌های تبلیغی خود را گسترش داد و روزنامه خود را از یک ورق و یک رنگ به یک روزنامه چند ورقی و با دو رنگ سیاه و سرخ تبدیل کرد و رحمان هاتفی، یکی از رهبران سازمان معاون سردبیر روزنامه کیهان شد و از طریق او بعضی از عناصر توده‌ای به این روزنامه راه یافتند و اینچنین بود که روزنامه کیهان در بحبوحه انقلاب به مکانی برای فعالیت‌های تبلیغی و اطلاعاتی حزب توده تبدیل شد و اخبار این حزب در این روزنامه نمود بیشتری یافت (همان، ۲۹۶).

۱۷

بطورکلی در بحبوحه انقلاب اسلامی دو جناح در حزب توده شکل گرفت یک جناح به رهبری اسکندری که مواضعی لیبرالی اتخاذ نمود. او رشد سرمایه‌داری را مثبت می‌دانست (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰: ۱۵۶) و اعتقاد داشت که باید با شاه به نحوی کنار آمد (کیانوری (ب)، پیشین: ۴۷۸). اسکندری به نهضت امام بدبین بود و می‌گفت: «اولاً این جریان یک جریان مذهبی فوق‌العاده ارتدکس و جزمی است و اگر پیروز شود به هیچ وجه اجازه فعالیت سیاسی به مخالفین عقاید خود نخواهد داد. ثانیاً جریان آیت‌اله خمینی یک حرکت افراطی است و بخاطر تندروی‌هایی که دارد قطعاً سرکوب خواهد شد» (همان، ۴۹۰). جناح دیگر جناح کیانوری بود که می‌گفت: «تیروی آیت‌اله خمینی در نهایت در ایران پیروز می‌شود و ما باید با آن همکاری کنیم» (همان، ۴۹۱). با اینکه حزب توده چگونگی انجام انقلاب را ائتلاف طبقه‌ای و مبارزه سیاسی-ایدئولوژیک می‌دانست اما کمترین سهم را در پیروزی انقلاب اسلامی داشت کیانوری در سال ۱۳۶۲ می‌گوید: «نقش حزب توده در انقلاب اسلامی نقش فرعی و بسیار کوچکی بوده است» (برهان، ۱۳۷۸: ۳۷). که بیشتر بخاطر اندیشه‌های مارکسیستی بود که در این حزب ریشه دوانده بود و نمی‌توانست یک انقلاب مذهبی را به خود بقبولاند، عباس حجری در اعترافات خود می‌گوید: «باتوجه به اینکه بیش از شصت سال است که از انقلاب اکتبر گذشته، اما هر قدر مردم ایران با مارکسیسم بیشتر آشنا شدند به همان اندازه فاصله آنها با این مکتب بیشتر و بیشتر شد». اما با این حال «دنیا» نشریه تئوریک حزب اظهار می‌داشت که کاملاً معقول است بین حکومت استبدادی شاه از یک‌سو و بخش‌های از نخبگان حاکم و بورژوازی ایران از سوی

دیگر تمایز قائل شد و در ادامه تأکید می‌کرد که حزب توده ترجیح می‌دهد بخش‌های مترقی‌تر و واقع‌گراتر به قدرت برسند (بهروز، ۱۳۸۰: ۱۴۸). در پاییز ۱۳۵۷ کیانوری به مسکو رفت و در جلسه‌ای که با حضور معاونین حزب کمونیست شوروی (زاگلادین-اولیانوفسکی) تشکیل شده بود شرکت کرد، شوروی‌ها بالاخره به این نتیجه رسیده‌اند که شاه سقوط می‌کند و در این راستا طبق جلسه هیأت اجرایی کمیته مرکزی در دی ماه ۱۳۵۷، اسکندری برکنار و کیانوری بعنوان دبیر اول حزب توده انتخاب شد و چون این تصمیم توسط مقامات شوروی اتخاذ شده بود جناح اسکندری نیز به آن رأی موافق داد.

۲- حزب توده بعد از انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب حزب توده با موضع‌گیری در برابر ملیون و مخالفان و منتقدان نظام جدید به حمایت از رهبری انقلاب، حزب جمهوری اسلامی و جناح روحانی شورای انقلاب پرداخت (مدیرشانه‌چی(ب)، ۱۳۸۸: ۱۲۴). پیروزی انقلاب به رهبران حزب مجالی داد تا ضمن بیشترین استفاده از موقعیت فراهم آمده بار دیگر دست به نگارش و تدوین تاریخ پر فراز و نشیب سازمان حزبی خود بزنند. این اقدام با دو هدف اساسی انجام می‌شد: سهمیم شدن در انقلاب و دفاع از عملکرد تاریخی حزب توده (فارسانی و توسلی، ۱۳۸۸: ۶) در اسفند ۱۳۵۷ پلنوم شانزدهم در خارج از کشور تشکیل و به انتقال هرچه سریعتر رهبری و کادرهای حزب توده تأکید کرد (کیانوری(الف)، پیشین: ۵۰۴). در پلنوم شانزدهم حزب پشتیبانی خود را از رهبری آیت‌الله خمینی اعلام و بر ارتباط نزدیک حزب توده و اتحاد شوروی تأکید کرد، همچنین این حزب حمایت خود را از کودتای افغانستان که کمونیست‌ها را در آن کشور به قدرت رسانده بود اعلام داشت و تشکیل جبهه ملی متحد خلق را برای مقابله با تهدیدهای امپریالیسم نسبت به انقلاب پیشنهاد کرد (بهروز، پیشین: ۵۶). حزب توده که پس از شهریور ۱۳۲۰ در لفافه نام توده از بیان آشکار مرام کمونیستی مارکسیستی خود پرهیز کرده بود در سایه انقلاب اسلامی نیز نمی‌توانست به روشنی از این اهداف سخن بگوید از همین روی، استراتژی این حزب نفوذ تدریجی تحت عنوان اتحاد و انتقاد در رابطه با نیروهای پیرو خط امام و مذهبی‌ها بود (جاسبی(الف)، پیشین: ۲۸۳). در واقع حزب توده با شعار اتحاد و انتقاد سعی داشت از رویارویی با نظام جمهوری اسلامی بپرهیزد و تصور اینکه نیروهای خط امام در فرایند مقابله با نیروهای معاند تضعیف خواهند شد به انتظار آینده نشسته بود (همان، ۲۸۶). کیانوری رهبر حزب در پاسخ به این پرسش که چرا در تحلیل خط امام ... از آن سخنان و گفته‌های امام استفاده می‌کنید که علیه آمریکا است ... ولی از سخنان ضد کمونیستی امام هیچ ذکری نمی‌کنید؟ می‌گوید: «همکاری حزب ما با تمام نیروهای دیگر روی نقاط مشترکی است که وجود دارد. با تمام نیروها به همین ترتیب عمل می‌کنیم ... مثلاً با مجاهدین خلق، فدایی‌ها و دانشجویان خط امام و حتی دولت بازرگان ... اگر روزی سمت‌گیری عمده امام از این خط خارج شود در

آنجا دیگر از آن پشتیبانی نخواهیم کرد» (آرشیو اسناد ...، پرسش و پاسخ، بولتن داخلی حزب توده، ش ۷: ۴۱). با همین استراتژی، حزب تا آنجا که می‌توانست به جمهوری اسلامی نزدیک شد چون حزب اگر می‌خواست که در موضع ایدئولوژیک خود ایستاده و گذشته خود را دنبال کند می‌بایست علناً در مقابل انقلاب و مردم بایستد که نتیجه آن باتوجه به جو مذهبی حاکم بر جامعه انقلابی و به خصوص که حزب از پایگاه بسیار ضعیفی هم در داخل کشور برخوردار بود چیزی جز قلع و قمع نهایی آنها نمی‌توانست به دنبال داشته باشد بنابراین راه دیگری که برای آنها وجود داشت رها کردن مواضع ایدئولوژیکی و تأیید کامل مواضع جمهوری اسلامی بود تا بتواند بدان وسیله از فضای بعد از انقلاب بهره‌برداری کند و به حیات خود ادامه دهد با انتخاب این شیوه دو هدف و مقصود برای آنها تأمین می‌شد: اول آنکه امکان نفوذ نیروهای خود را در ارگان‌ها و دستگاه‌های اجرایی تحمیل می‌کردند و بدین وسیله در دراز مدت می‌توانستند در موقع مقتضی و از طریق براندازی، نظام جمهوری اسلامی را ساقط کرده و کشور را به دامان شوروی بیاندازد. احسان طبری از اعضای کادر مرکزی حزب در این خصوص می‌گوید: "حزب توده می‌کوشید در میان مسلمانان انقلابی تفرقه اندازد جنبش اسلامی را به سه گرایش تقسیم کرد و هرکدام از روحانیون مبارز و رجال انقلابی - اسلامی را در چارچوب تنگ معینی جای داد: یکی روشن‌بین است، یکی واقع‌بین است، یکی قشری است، مقصد و معنای این نام‌گذاری‌ها معلوم بود (طبری، پیشین: ۳۱۱).

۱۹

دیگر اینکه حزب توده تلاش می‌کرد تا با حضور در کشور به سازمان جاسوسی کا.گ.ب امکان نفوذ و کسب اطلاعات از مسائل مهم و حساس کشور را بدهد. حزب توده در این موقعیت به دنبال محکم کردن جایگاه خود بطور هوشمندانه سیاست یک گام به عقب، دو گام به جلوی لنین را در دستور کار خود قرار داد چون لنین مایل بود در راه رسیدن به جامعه کمونیستی از هر اصلی چشم‌پوشی کند. او به جمهوری‌ها وعده خودمختاری می‌داد ولی بعد از به قدرت رسیدن آنها را سرکوب می‌کرد (آرما تیوز، ۱۳۸۲: ۴۲). استراتژی حزب توده در دوران پس از انقلاب، ایفای نقش «اپوزیسیون وفادار و قانونی» بود. سران حزب که جهت باد را در فضای سیاسی کشور به خوبی تشخیص می‌دادند، نیک دریافته بودند که بین دو جناح لیبرال و مکتبی جمهوری اسلامی، جناح مکتبی هسته مرکزی قدرت را تشکیل داده و آینده سیاسی کشور را در اختیار دارد. از این‌رو حزب توده به حمایت از مذهبی‌ها و پیروان خط امام در برابر لیبرال‌ها (بازرگان و بنی‌صدر) پرداخت (جاسبی (الف)، پیشین: ۲۸۳). خدمات حزب توده به مکتبی‌ها صرفاً به موضع‌گیری‌های کلامی ختم نمی‌شد بلکه حزب در سرکوب گروه‌های مارکسیستی مخالف جمهوری اسلامی نیز همکاری تام و تمامی با جناح

مکتبی نظام داشت (دوراندیش، ۱۳۸۸: ۶۳). در راستای این سیاست به چند نمونه از اقدامات و عملکردهای حزب اشاراتی می‌کنیم.

۳- حزب توده و رفراندم جمهوری اسلامی ایران

در رفراندم ۱۲ فروردین همه مردم، به نوع نظام حاکم بر ایران _ جمهوری اسلامی _ با بیش از ۹۸ درصد «آری» گفتند؛ با آنکه طیفی از گروه‌های معارض چپ و راست رفراندم را تحریم کرده بودند حزب توده که خود را همراه و همگام با امام و انقلاب می‌دانست در اعلامیه خود اعلام کرد که در رفراندم به جمهوری اسلامی رأی «مثبت» می‌دهد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۴). حزب توده در حالی از پیروی از خط امام سخن می‌گفت و به حمایت از جمهوری اسلامی می‌پرداخت که سرسپردگی کامل به شوروی داشت. این حزب از یکسو تلاش می‌کرد تبعیت خود از شوروی را انکار کند و از سوی نفوذ شوروی در کشور را تبلیغ می‌کرد (جاسبی، پیشین: ۲۸۷). در حقیقت حزب این امید را داشت که با همراه نشان دادن خود با مسیر انقلاب، به تدریج آن را از جوهره اصیل خود تهی سازد و به نظامی مطابق امیال و اهداف خود مبدل سازد اما امام خمینی که حتی قبل از انقلاب پی به اهداف حزب توده برده بود در این خصوص فرمودند: «قانون چنین جمهوری بدیهی است که قوانین اسلام ما به حزبی که مطرود جامعه اسلامی است اجازه ورود به حکومت اسلامی را نخواهیم داد» (هاشمی تروجنی، ۱۳۸۵: ۳۴۶).

۲۰

۴- حزب توده و دولت مهندس بازرگان

دولت موقت که برآمده از نهضت آزادی بود حزب توده را بزرگترین دشمن داخلی و شوروی را بزرگترین دشمن خارجی کشور می‌دانست. در آغاز پیروزی انقلاب حزب توده دولت موقت را بعنوان یک جریان اسلامی در حاکمیت می‌دید و لذا برخورد او محتاطانه و توأم با نرمش بود. ولی وقتی تمایز بنیادین میان اهداف و خواست‌های انقلاب اسلامی با عملکردهای سازش‌کارانه و «گام به گام» دولت موقت آشکار شد و موضع‌گیری شدید رهبر انقلاب را برانگیخت حزب توده به سرعت و با زیرکی، ناهمخوانی بنیادی نیروهای امام را با جریان دولت موقت دریافت و به خاطر دیدگاه‌های رادیکال‌تر و ضدآمریکایی نیروهای پیرو خط امام به حمایت آنها پرداخت. کمیته مرکزی حزب توده اقدامات دولت موقت را «غیرقاطع» خواند که جنبه‌های محافظه‌کارانه و تسلیم‌آمیز آن هر روز شدت می‌یابد (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پیشین: ۳۵۰).

۵- حزب توده و بنی‌صدر

حزب توده در ابتدا از کاندیدای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم یعنی حسن حبیبی حمایت کرد ولی هنگامی که بنی‌صدر پیروز انتخابات و اولین رئیس جمهور ایران شد او را در لایه‌های دموکراسی انقلابی دانست.

همچنین در بحبوحه اختلاف میان بنی‌صدر و شهید رجایی، حزب توده تلاش نمود تا خود را فراتر از همه گروه‌ها نشان دهد از همین روی در اعلامیه حزب در خصوص اتفاق‌های پیش آمده نوشت: "ما هم مثل امام خمینی فقط دعوت می‌کنیم که آقایان تفاهم کنند" (نگاهی از درون به جنبش ...، پیشین: ۲۷). مواضع حزب توده در قبال او همانند مواضع او در قبال جبهه ملی بود یعنی زمانی که بنی‌صدر در اوج قدرت بود و برای او پایگاه مردمی تصور می‌شد؛ حزب توده در عین انتقاد از مواضع کمونیستی او، وی را «دموکرات انقلابی» می‌دانست اما زمانی که تعارض نیروهای خط امام با بنی‌صدر آشکار شد، حزب توده نیز به انتقادات شدید از بنی‌صدر دست زد و پس از عزل او در ۴ تیر ۱۳۶۰ کمیته مرکزی حزب توده در اعلامیه خود چنین عنوان کرد که: "عزل بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری خطر بزرگی را از انقلاب شکوهمند مردم ایران دور ساخت (آرشیو اسناد دفتر ... بولتن ۱۹ سال کارنامه حزب توده، کد اسنادی، ۲۳۴۲).

۶- حزب توده و دفاع مقدس

از دیدگاه حزب توده تلاش دولت صدام بر ضد ایران و کشورهای جبهه پایداری در راستای سیاست راهبردی آمریکا در منطقه بود. حزب توده از همه نیروهای وفادار به انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی دعوت می‌کرد که در برابر توطئه عراق متحد شوند، چون نقشه دولت عراق مبنی بر تجاوز به خاک ایران حلقه‌ای از طرح توطئه وسیع آمریکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلقی می‌شد (روزنامه مردم، ۱۳۵۹/۰۳/۱۰). در این میان حتی احسان طبری اشعاری نیز برای شهدای جنگ سرود (فلاح، ۱۳۸۷: ۴۹)، اما سیاست حزب زمانی سیاست صلح شد که شوروی سیاست خود را عوض کرد، حزب که در ابتدا هم زمان با تمام مردم ایران تجاوز را محکوم می‌کند همین که احساس می‌کند سیاست شوروی در جهت حفظ و نگهداری صدام و جلوگیری از سقوط آن است با آنکه رهبر انقلاب جنگ و ادامه آن تا پیروزی قطعی و نهایی و تحقق شرایط ایران را مسئله اصلی می‌دانند با طرح مسائل جزئی، مشکلات ناشی از جنگ را در سایه قرار می‌دهد و عملاً فریاد خاتمه جنگ و برقراری صلح را سر می‌دهند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پیشین: ۱۰۹۲). آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی در روز شمار خاطرات خود در تاریخ چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰ در این خصوص می‌نویسد: "آقایان کیانوری و عمویی، از رهبران حزب توده ... معتقد بودند فعلاً زمان برای پذیرفتن صلح و خاتمه دادن به جنگ مناسب است. من گفتم آمریکا هم که موافق صلح است. توجیه می‌کردند که آمریکا برای نجات صدام موافق است، ولی آنها مخالفند که جمهوری اسلامی در اثر جنگ، زیاد ضعیف شود ... (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۸: ۱۰۸).

۷- حزب توده و مذهب بعد از انقلاب اسلامی

مارکس خداوند را «تصویری از آرزوهای دربند» می‌شناخت و معتقد بود که انسان برای رویارویی با سختی‌ها و قدرت‌های بیشتر و بزرگتر از توانایی خودش، خدا را در ذهن آفرید (خطیبی، ۱۳۷۰: ۲۰۹). اما اعضای حزب توده که نماینده مارکسیسم در ایران بودند یا اطلاع اندکی از این نوع ایدئولوژی مارکسیسم داشتند و یا از این بیم داشتند که ارائه و تبلیغ چنین اندیشه‌های عوارض جبران‌ناپذیری برای آنها داشته باشد. شکست و ناکامی مارکسیست‌ها در ایران علت ویژه‌ای داشت و آن عبارت بود از «قابل هضم نبودن این ایدئولوژی برای جامعه سنتی و کاملاً دینی که قرن‌ها با آن انس گرفته بود» در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران زمانی یافت نمی‌شود که بدون گرایش‌های مذهبی باشد، حزب توده این را به خوبی درک کرده بود و مذهب تشیع را دارای ظرفیت‌های مناسب برای امر حاکمیت سیاسی می‌دانست و جمهوری اسلامی را ادامه دهنده آن سنت آزادگی و عدالت‌طلبی می‌داند که قرن‌ها پیش از سوی امام حسین دنبال شده بود و این بایستگی دین و دولت را در قالب تلفیقی از اسلام و سوسیالیزم مطرح می‌کند (محرم‌خانی و عنبرمو، ۱۳۹۳: ۱۳۵). هرچند کیانوری در سال ۱۳۵۸ اعلام کرد: «حزب توده بین مسلمان و غیرمسلمان مرز نمی‌کشد» (سمیعی، ۱۳۷۱: ۱۴۲)، اما حزب به دین اسلام و مبانی مذهبی انقلاب بعنوان روبنا توجه می‌کرد. بنابراین همراهی این حزب با انقلاب اسلامی هرچند متأثر از فرهنگ ایرانی بود اما آن را امری روبنایی می‌پنداشتند و اصلتی برای آن قائل نبودند از همین‌رو در ادامه مواضعی متناقض اتخاذ کردند و طبری شخصیت امام خمینی را پیوند میان سوسیالیسم و اندیشه‌های توحیدی به شمار می‌آورد (محرم‌خانی و عنبرمو، پیشین: ۱۹۳).

۲۲

۸- حزب توده و جاسوسی

با نفوذ حزب توده در تمامی ارگان‌های جمهوری اسلامی وقت آن رسیده بود که اطلاعات خود را به حزب برادر (کمونیسم شوروی) انتقال دهد. با تجدید سازمان گروه نوید به مثابه سازمان مخفی حزب توده فعالیت‌های اطلاعاتی و نفوذ در این حوزه‌ها انجام پذیرفت:

۱- ارتش، ژاندارمری و شهربانی؛ ۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حزب جمهوری اسلامی و دیگر ارگان‌های جمهوری اسلامی؛ ۳- جمع‌آوری اطلاعات عمومی توسط کلیه اعضا؛ ۴- جمع‌آوری اطلاعات از احزاب و گروه‌ها و جریانات سیاسی چپ و راست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۶۲). به علاوه کیانوری هرازچندی برمبنای اطلاعات مکتسبه به نگارش تحلیل‌های سیاسی به منظور آگاهی «پولیت بوروی» احزاب کمونیست شوروی از اوضاع داخلی ایران اقدام می‌کرد. پرتوی نیز در اعترافات خود می‌گوید: «من با یک دستگاه رادیوی معمولی

^۱ مهمترین نهاد دولتی شوروی (هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست)

از طریق فرستنده‌ای که داخل آن بود با سفارت شوروی در ارتباط بودم» (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پیشین: ۱۰۵۱). حزب توده افراد نفوذی خود را در مراکز حساس و مهم همچون مجلس شورای اسلامی، صدا و سیما، سازمان برنامه و بودجه، مخابرات، مطبوعات و از همه مهم‌تر ارتش جمهوری اسلامی می‌گماشت تا آنجا که بعضی از اعضای آن همچون ناخدا بهرام افضلی به بالاترین درجه نظامی (فرمانده نیروی دریایی ارتش) نیز می‌رسد و برعلیه حزب توده و برعلیه جمهوری اسلامی به جاسوسی می‌پردازد (محمدی ری‌شهری، پیشین: ۹۱).

۹- هدف نهایی حزب توده ایران

همانطور که عنوان شد؛ حزب توده ایران یک حزب مارکسیستی-لنینیستی است و تقید به این ایدئولوژی به صراحت در آخرین اساسنامه آن ذکر شده است، حزب به دنبال «راه رشد غیرسرمایه‌داری» در ایران بود یعنی راه موقت تکامل جامعه به جانب سوسیالیسم. حزب توده تبلیغ می‌نمود که راه رشد غیرسرمایه‌داری به شرط آنکه هدف دور خود را سوسیالیسم قرار دهد، راه رشد درستی است، این نظر کاملاً مخالف نظر اسلام است که نظام اجتماعی و اقتصادی را برپایه فطرت جاودانی انسان بنا می‌کند و آموزش‌اش با مقوله‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم به هیچ وجه سازگار نیست (طبری، پیشین: ۳۰۲) بر این مبنا هدف نهایی و استراتژیک حزب توده، استقرار نظام سوسیالیستی و توسعه آن به سمت یک جامعه کمونیستی وابسته به شوروی در ایران می‌باشد که در صورت پیروزی حزب توده در ایران، کشور ایران به یک جمهوری وابسته به شوروی (مثل تاجیکستان و آذربایجان) مبدل شود. حزب برای رسیدن به اهداف خود دو نوع تاکتیک نهان و عیان را پیش گرفت، تاکتیک نهان آن تاکتیکی بود که محور اساسی آن براندازی نظام بود و تاکتیک عیان، آن تاکتیکی بود که عملاً و علیرغم ظاهر خود به تحقق تاکتیک‌های نهان خدمت می‌کرد (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پیشین: ۲۸۴-۲۸۳).

سرانجام مارکسیسم و حزب توده در ایران

دوام و ماندگاری احزاب عمدتاً در گرو دو امر است: نخست وفاداری، التزام و تعهد و پایبندی اعضا و هواداران حزب به اصول، برنامه‌ها، اهداف و سیاست‌های حزبی. دوم ضرورت ایجاد تحول در ساختار، تشکیلات، برنامه‌ها، تاکتیک‌ها، خط‌مشی‌ها و اهداف حزب مطابق با مقتضیات و شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه (نوذری، ۱۳۸۱: ۷۲) در این راستا حزب توده هیچگاه نتوانست دو شرط فوق را در خود استوار و پایدار سازد هرچند با تمام تلاش‌هایی که کرد و تمامی مواضع جمهوری اسلامی را تأیید کرد اما امام و نیروهای پیرو خط امام این حزب را حزبی شیطانی، دورو و طرفدار توطئه‌خیزنده تشخیص دادند. بدین ترتیب موقعی

که هویت واقعی حزب (مارکسیستی-جاسوسی) برای جمهوری اسلامی احراز شد دیگر بردباری را جایز ندانست و نهایتاً این حزب طی دو مرحله عملیات در بهمن ۱۳۶۱ و اردیبهشت ۱۳۶۲ توسط واحد اطلاعات سپاه پاسداران فروپاشید و به عمر مارکسیسم در ایران پایان داد. علت شکست مارکسیسم را باید در ناتوانی آنها در درک و سازگاری با پویای‌های درونی جامعه ایرانی و ظرفیت بالای گفتمان اسلام انقلابی جستجو کرد. احسان طبری از تئوریسین‌های بزرگ مارکسیسم در ایران که به مرگ و پوچی این ایدئولوژی واقف شده بود در چرخشی آشکار مسلمان شد و با نامه‌ای به «رژه گارودی» تئوریسین پیشین حزب فرانسه که به اسلام گرویده بود پیوند خود را با جهان‌بینی الهی بعنوان راه برون‌رفت بشریت از انحطاط کنونی بر خاسته از تمدن غرب اعلام داشت (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پیشین: ۸۹۸). مارکسیسم در ایران هیچگاه نتوانست خود را هم‌سو با مردم و جامعه مذهبی ایران نشان دهد خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی که این ایدئولوژی همانند یک ماهی بیرون از آب در حال جان دادن بود. آیت‌اله مطهری نیز مارکسیسم را بخاطر نسبت دادن ذهنیت به جمع به جای فرد مورد انتقاد قرار می‌داد و نقدهای او بر مارکسیسم بسیاری از جوانان را به گفتمان اسلام‌گرایی علاقمند کرد و از رفتن به سمت مارکسیسم بازداشت (صادقی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). روزنامه اطلاعات دو روز بعد از مرگ طبری در یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۸ نوشت: «آنچه بعنوان یک پیام به همراه نام طبری خواهد ماند این است که مارکسیسم نمی‌تواند انسان‌های اهل نظر را راضی و قانع کند. مارکسیسم نظریه‌ای است بیشتر متکی بر احساس، هر چند مدعی نظریه علمی می‌باشد و علم را مثل برچسب همراه بر پیشانی داشته باشد. تحول فکری اندیشمندان نام‌آوری مثل پوپر، لوکاچ، روزه گارودی، ارنست فیشر و بالاخره احسان طبری حاکی از آن است که مارکسیسم نظریه‌ای است برای همان دوران تند و پراحساس جوانی، بنابراین در این کشور و در میان این مردم، مارکسیسم و گروه‌های چپ وابسته به همسایه شمالی ریشه و گستره‌ای نخواهند یافت. مرگ طبری پایانی بر جریانی است که تاریخی شده است. خدایش بیامزد» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۸/۰۲/۱۱).

نتیجه‌گیری

باتوجه به اینکه حزب توده از احزاب چپ و قدرتمند سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی بود اما نسبت به بقیه نیروهای درگیر در انقلاب اسلامی کمتر به آن توجه شده، بنابراین ما در این پژوهش مواضع حزب توده در قبال انقلاب اسلامی را در بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ به روش تحلیلی بررسی کردیم و به این نتایج دست پیدا کردیم که این حزب که در تقسیم‌بندی احزاب در طبقه چپ قرار می‌گیرد و ریشه آن به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه باز می‌گردد پس از فضای باز سیاسی در سال ۱۳۲۰ اعلام موجودیت کرد و مشی خود را مارکسیسم-لنینیسم اعلام نمود و تا پایان حیات سیاسی خود در ایران تمامی مواضع اتحاد جماهیر شوروی

نسبت به ایران را تأیید و در راستای منافع حزب برادر خود یعنی کمونیسم شوروی گام بر می‌داشت و بطور کامل در خدمت آن کشور بود. این حزب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل «یک گام به عقب دو گام به جلوی» لنین را در پیش گرفت، یعنی در ظاهر به دفاع از آرمان‌های امام و انقلاب و به تأیید تمامی مواضع جمهوری اسلامی پرداخت که از آن جمله رأی «آری» دادن در فرآیند جمهوری اسلامی، جبهه‌گیری بر علیه بازرگان و بنی‌صدر، محکوم کردن جنایات صدام در جنگ با ایران و ... بود. اما در خفا و باطن با تشکیل شبکه‌های جاسوسی و ترویج اندیشه‌های مارکسیستی بطور کامل در خدمت شوروی و در فکر براندازی نظام اسلامی ایران بود. حزب توده که به دنبال «راه رشد غیر سرمایه‌داری» یعنی راه موقت تکامل جامعه به جانب سوسیالیسم بود، نتوانست بعنوان یک نیروی سیاسی و مستقل و مردمی عمل کند و خود را با شرایط مذهبی ایران که دین اسلام با تار و پود آن ریشه دوانده بود و اندیشه مارکسیسم را سراسر الحاد می‌دانست، تطبیق دهد و سرانجام از طرف تاریخ و مردم مسلمان ایران محکوم شد و در سال ۱۳۶۲ برای همیشه از صحنه تاریخ انقلاب اسلامی ایران خارج شد.

فهرست منابع

- ۱- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، *ایران بین دو انقلاب*، مترجم: کاظم فیروزمند و دیگران، ج ۱۵، تهران: نشر مرکز. ۲۵
- ۲- آرشیو اسنادی دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی (بی‌تا)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۳- آرماتیز، جان (۱۳۸۲)، *ظهور و سقوط شوروی*، مترجم: فرید جواهر کلام، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۴- آوانسیان، اردشیر (۱۳۷۸)، *خاطرات*، تهران: انتشارات سخن.
- ۵- اسکندری، ایرج (۱۳۷۲)، *خاطرات*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ۶- برهان، عبدالله (۱۳۷۸)، *کارنامه حزب توده و راز سقوط مصدق*، ج ۲، تهران: نشر علم.
- ۷- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، *آموزش دانش سیاسی*، تهران: موسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- ۸- بهروز، مازیار (۱۳۸۰)، *شورشیان آرمان‌خواه*، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۹- تبریزیا، حسین (۱۳۷۷)، *علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات سیاوش.
- ۱۰- جاسبی(الف)، عبدالله (۱۳۸۶)، *تشکل فراگیر (مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی)*، ج ۳، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.
- ۱۱- جاسبی(ب)، عبدالله (۱۳۸۹)، *احزاب سیاسی*، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.
- ۱۲- جامی، علی (۱۳۷۷)، *گذشته چراغ راه آینده است*، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۳- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک(الف) (۱۳۸۱)، «حزب توده در خارج از کشور»، ج ۱، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران.

۱۴- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک(ب) (۱۳۸۲)، «کادرهای حزب توده»، ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

۱۵- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک(ج) (۱۳۸۲)، «کادرهای حزب توده»، ج ۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

۱۶- خطیبی، عذرا (۱۳۷۰)، سرگذشت مارکسیسم از فراز آغاز تا نشیب انجام، ج ۱، تهران: انتشارات هیرمند.

۱۷- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲)، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۸- دارابی، علی (۱۳۷۹)، سیاستمداران اهل فیضیه، بررسی پیشینه و عملکرد جامعه روحانیت مبارز تهران، سیاست.

۱۹- دوران‌دیش، روشنگر (۱۳۸۸)، «عدالت‌خواهان سرسپرده»، مجله گزارش، س ۱۹، ش ۲۱۵.

۲۰- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، ج ۶، چ ۲، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۲۱- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۸/۰۲/۱۱.

۲۲- روزنامه رهبر، ۱۳۲۳/۰۹/۳۰.

۲۳- روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۴.

۲۴- روزنامه مردم، ۱۳۵۹/۰۳/۱۰.

۲۵- سمیعی، احمد (۱۳۷۱)، طلوع و غروب دولت موقت، تهران: انتشارات شباویز.

۲۶- صادقی، سید شمس‌الدین و محمدی، سامان (۱۳۹۴)، «جریان چپ، دیالکتیک روشنفکری و انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س ۴، ش ۱۵.

۲۷- صدیقی، منیژه و نیکبخت، رحیم (۱۳۸۶)، پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲۸- طبری، احسان (۱۳۶۶)، کژراهه، خاطراتی از حزب توده، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

۲۹- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

۳۰- فارسانی، سهیلا و توسلی، مریم (۱۳۸۸)، «درآمدی بر تاریخ‌نگاری حزب توده»، مجله تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، ش ۴.

۳۱- فلاح، یزدان (۱۳۸۷)، «بررسی نقش حزب توده در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران»، مجله فصلنامه نگین ایران، ش ۲۶.

۳۲- فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده، مترجم: احمد تدین، تهران: انتشارات رسا.

۳۳- فولادی، عبدالرضا (۱۳۴۸)، نقش احزاب سیاسی در تکامل و پیشرفت دموکراسی آمریکا، تهران: انتشارات همزان.

- ۳۴- کولائی، الهه (۱۳۷۶)، **استالینیسیم و حزب توده ایران**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۳۵- کیانوری(الف)، نورالدین (۱۳۷۲)، **خاطرات**، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه و انتشارات اطلاعات.
- ۳۶- کیانوری(ب)، نورالدین (۱۳۷۶)، **گفتگو با تاریخ**، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی نگره.
- ۳۷- لاجوردی، حبیب (۱۳۶۹)، **اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران**، تهران: نشر نو.
- ۳۸- محرم‌خانی، فریبرز و عنبرمو، منصور (۱۳۹۳)، «مواضع حزب توده در قبال انقلاب اسلامی»، **مجله تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری**، ش ۱۳.
- ۳۹- محمدی‌نژاد، حسین (۱۳۶۰)، **احزاب سیاسی**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۴۰- محمدی‌ری‌شهری (۱۳۸۶)، **خاطره‌ها**، ج ۲، نفوذی‌های حزب توده در نیروهای مسلح، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴۱- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۶)، **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴۲- مدیر شانه‌چی(الف)، محسن (۱۳۷۵)، **احزاب سیاسی ایران با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها**، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۴۳- مدیر شانه‌چی(ب)، محسن (۱۳۸۸)، **پنجاه سال فراز و فرود حزب توده ایران**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴۴- مقصودی، مجتبی و دیگران (۱۳۸۰)، **تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)**، تهران: انتشارات روزنه.
- ۴۵- ملکی، خلیل (۱۳۷۴)، **برخورد عقاید و آراء**، تهران: نشر مرکز.
- ۴۶- موریس، دوورژه (۱۳۷۶)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴۷- موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۹۰)، **حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۲۰-۱۳۶۸)**، تهران.
- ۴۸- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، **احزاب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروزی**، تهران: نشر دادگستر.
- ۴۹- نگاهی از درون به جنبش چپ ایران (۱۳۸۰)، **گفتگوی حمید شوکت با مهدی خان‌بابا تهرانی**، به اهتمام غلامرضا نجاتی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۵۰- نودری، حسینعلی (۱۳۸۱)، **احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی**، تهران: انتشارات گسترده.
- ۵۱- **ویژه‌نامه تحزب و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴)**، تهران: موسسه مطالعات راهبردی.
- ۵۲- هاشمی تروجنی، محمد (۱۳۸۵)، **احزاب و گروه‌های سیاسی از دیدگاه امام خمینی**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۵۳- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۸)، عبور از بحران (کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۰)، به کوشش یاسر هاشمی، تهران: انتشارات معارف انقلاب.

